

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمایه شد

نمایه‌ساز:

تاریخ:

دانشکدهٔ اصول الدین

شعبه: تهران

پایان نامهٔ کارشناسی ارشد (M.S)

موضوع:

# سیمای مترفین در قرآن و نهج البلاغه

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

استاد راهنما: دکتر کاظم عسگری

استاد مشاور: دکتر مجید معارف

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

نگارش: شهناز یعقوبی

سال تحصیلی: ۸۰-۱۳۷۹

وزارت اطلاعات آذربایجان  
مستند آرک

۵۸۳۱۸ ✓

(ب)

## سپاسگذاری

از اساتید بزرگواری که هر یک به سهم خویش، در طرح مباحث یا محتوی مطالب ارشاداتی فرمودند، از جمله: استاد بزرگوار: علامه سید مرتضی عسگری، دکتر مجید معارف و دکتر کاظم عسگری و همچنین از همسر گرامیم که در طی نگارش و تهیه این مطالب دلسوزانه و با صبر و بردباری، از هیچ کمکی دریغ نکردند؛ کمال تشکر را دارم.

تقدیم به :

محضر مقدس سرّ مکنون الهی، آن عزیز منتظر، سلاله انبیاء و اولیاء، امام المتّقین خلیفة  
الرّحمن و شریک القرآن «عج»

# کلید واژه

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- مترف
- ۴- ملأ

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
<b>بخش اول: کلیاتی در معنای لغوی و اصطلاحی ملأ و مترف</b>	
۷	ملأ و مترف در لغت
۹	ملأ و مترف در اصطلاح:
۱۲	بررسی اولیۀ ملأ و مترف در قرآن
۱۳	بررسی اولیۀ درباره ملأ و مترف در نهج البلاغه
۱۶	رابطه ملأ و مترف
۱۷	تعاریف طبقات اجتماعی
<b>بخش دوم: اوصاف و ویژگیهای طبقه ملأ و مترف</b>	
۲۱	الف: اوصاف و ویژگیهای طبقه مترف
۲۱	۱- تبعیت از آباء و اجداد گمراهشان
۲۵	۲- فسق و فجور طبقه مترف
۳۲	۳- اصرار بر گناهان:
۳۶	۴- گردنکشی و استکبار
۳۹	۵- ثروت اندوزی و کفر ورزی طبقه مترف:
۴۳	ب: اوصاف و ویژگیهای طبقه ملأ
۴۳	۱- انکار مبدأ و معاد:
۴۶	۲- برتری طلبی و گردنکشی
۵۳	۳- تبعیت از فرمان پادشاهان جبار:

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

### □ بخش سوم: روشهای تخریبی طبقه ملا و مترف با رسولان و مؤمنان

- الف: شیوه‌های برخورد طبقه ملا و مترف با رسولان و مؤمنان ..... ۵۶
- ۱- گمراه خواندن رسولان ..... ۵۶
- ۲- جاهل خواندن رسولان ..... ۵۷
- ۳- استهزاء رسولان و مؤمنان ..... ۶۰
- ۴- درخواست کمک از رسولان در دفع عذاب از آنان و سپس خلف وعده ..... ۶۱
- ۵- تحریض پادشاهان خود بر ایداء رسولان ..... ۶۸
- ۶- بشر خواندن رسولان و مجنون و دیوانه خواندن رسولان ..... ۶۹
- ۷- دروغگو خواندن رسولان ..... ۷۳
- ۸- غاصب خواندن رسولان ..... ۷۶
- ۹- تکذیب انبیاء و نافرمانی از دستوراتشان ..... ۷۷
- ۱۰- تحقیر طبقه مؤمنان ..... ۸۱
- ۱۱- ایجاد رعب و ترس در دل مؤمنان ..... ۸۳
- ۱۲- تهدید به عقوبت و زیانکار و خاسر خواندن مؤمنان ..... ۸۶
- ۱۳- تهدید به تبعید رسولان و مؤمنان ..... ۸۸
- ۱۴- تهدید به سنگسار کردن رسولان و مؤمنان ..... ۹۰

ب: بررسی تاریخی، چگونگی مخالفت گروه ملا و مترف با رسول اسلام و علل و انگیزه‌های

مخالفت آنان ..... ۹۲

### □ بخش چهارم: عاقبت طبقه ملا و مترف

عاقبت گروه ملا و مترف ..... ۹۹

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰۰	۱- القاب و نسبت‌های خداوند به این گروه :
۱۰۱	۲- هلاک شدن این گروه
۱۰۹	۳- رسیدن به تعب و خواری
۱۱۱	۴- بطلان اعمال نیک و زیانکار شدن
۱۱۴	نتیجه
۱۱۶	منابع و مأخذ



## چکیده

دسته‌ای از مردم که دارای یک تفکر اجتماعی و یک اراده اجتماعی و به اصطلاح دارای یک روح جمعی باشند یک گروه و طبقه را تشکیل می‌دهند.

لغات اجتماعی قرآن دو گونه است که گونه‌ای از آنها (که در طی این تحقیق مدنظر ما است) لغاتی است که «عنوان اجتماعی» برای همه یا گروه‌هایی از انسانها بشمار می‌رود از جمله قوم، امت، مهاجر، امام، مؤمن، کافر، صالح، متقی، مستکبر، مستضعف، مسرف، مترف، طاغوت، ملأ، غنی و ... آنچه در این پایان نامه مد نظر است بررسی دو واژه ملأ و مترف و بیان اوصاف و ویژگی‌های این گروه و تشابه دو گروه ملأ و مترف (در اوصاف) با یکدیگر است که از جمله گروه‌هایی است که در همه زمانها و دوره‌ها رسولان و مبلغان الهی با آنها مواجه بودند و هستند و گروهی اشراف و ثروتمند شهوت پرست و پول دوستند و در صف اول مقابله با رسولان الهی می‌باشند و برای خنثی کردن دعوت رسولان از هر حيله و ترفندی استفاده می‌کنند لذا با مطالعه اوصاف آنان می‌توان فهمید که هدف قرآن از بیان و معرفی این گروهها شناساندن آنان به افراد جامعه و توجه به عاقبت آنان است تا درس عبرتی باشد از سرگذشت چنین گروههایی برای انسانها.

رساله حاضر بر آن است که گزارش هر چند کوتاه در خصوص این گروه بدست خواننده بدهد.

## مقدمه

قال علی (ع): «واعلموا انه ليس علی احد بعد القرآن من فاقه و لا لاحد قبل القرآن من غنی، فاستشفوه من ادوائکم، واستعینوا به علی لأوائکم، فانّ فيه شفاء من اکبر الداء»<sup>۱</sup>

یعنی، و آگاه باشید که بر کسی از پی قرآن فقری نخواهد بود و نه برای کسی قبل از قرآن غنایی حاصل است پس به جهت درد هایتان، از قرآن بهبودی طلب نمائید و به واسطه قرآن بر سختیها یاری جوید، چراکه در آن، شفایی است از بزرگترین دردها.

قرآن، چراغی است که در خشندهی آن زوال نمی پذیرد، نوری است که چراغهایش خاموش نمی شود. شعله ای است که نورش به تاریکی نمی گراید. قرآن دریایی است پایان ناپذیر که دسترسی به ژرفای آن ممکن نیست، چشمه ساری است که هیچگاه نخشکد و آبشخوری که هر چه بهره مندان زیاد باشند از آن نگاهند، آب گوارایی است برای سیر شدن تشنه لبان معرفت و آگاهی. قرآن، داروی تمام دردها است، ریسمان محکمی است برای چنگ زندگانش، عامل سر بلندی و عزت کسانی است که خویشان را به آن بسپارند و آن را ولی خود برگزینند. قرآن علمی است برای دانش افروزان؛ سپری است برای پناهندگان بدان، راهی روشن برای عبور صالحان، عامل هدایت است برای آنانکه

آن را الگو قرار دهند. قرآن کتاب هدایت است برای خوانندگان آن و این مهم به دست نخواهد آمد جز با پیروی و عمل به آن، و مانوس شدن با قرآن، یکی از راههای آشنایی و انس با قرآن، تدبر و تعمق در مفاهیم قرآن و شناخت گروهها و طبقاتی است که قرآن از آنها یاد کرده، به ذکر اوصاف و ویژگیهای آنان پرداخته است چنانچه می فرماید: ﴿وَيَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ...﴾<sup>۱</sup>

یعنی، ای مردم شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملتها و قبیلهها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را باز شناسید، همانا گرامی ترین شما نزد خداوند متقی ترین شماست. در این آیه اشاره می شود به این بیان که انسان بگونه ای آفریده شده که بصورت گروههای مختلف ملی و قبیله ای درآمده است، با انتساب به ملیتها و قبیلهها بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می گیرد.

آنچه در این رساله آمده است کوششی است خاضعانه در راستای آشنایی با یکی از گروههایی که قرآن به توصیف آن پرداخته و با توجه به این نکته که زمانی پیامبر(ص) مبعوث شدند که مردمان در خواب غفلت بسر می بردند و پیامبرندا در داد که «ذلک القرآن فاستنطقوه، ولن ینطق، و لکن اخبیرکم عنه، الا انّ فیه علم ما یأتی و الحدیث عن الماضی و دواء دائکم، و نظم ما بینکم»<sup>۲</sup>

یعنی، از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می دهم. بدانید که در قرآن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است شفا دهنده دردهای شما و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است.

از آنجائی که علی (ع) می فرماید: «بخدا سوگند، هیچ آیه ای نازل نشد مگر اینکه می دانم در کجا و درباره چه چیزی، در شب یا روز، کوه یا دشت نازل گردید، بی گمان پروردگارم قلبی پر گنجایش

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.

۱- سوره حجرات، آیه ۱۳.

و نگاهدارنده و زبانی پرششگر به من بخشیده است»<sup>۱</sup> پس قرآن ناطق و پاسدار و اجراکننده قرآن صامت، علی (ع) است و نهج البلاغه، سراسر، اندیشه و گفتار و رفتار علی (ع) است و گزیده‌ای از سخنان ایشان. که این خود دلیل است بر اهمیت و ضرورت مطلب؛ بنابراین برای این جانب انگیزه‌ای ایجاد گردید تا به بررسی و تحقیق در موضوع «مترفین در قرآن و نهج البلاغه» پردازم.

هدف از نگارش این رساله آن است که با بررسی آیات قرآنی و روایات و سخنان علی (ع) با مفهوم مترف و واژه ملأ که در اصطلاح معنایی شبیه به مترف دارد آشنا شده و به ذکر اوصاف و ویژگیهای این گروه و روشهای تخریبی اینان برابر رسولان و مبلغان الهی و عاقبت این گروه پرداخته شود و این گروه را بشناسیم تا در پرتو عنایت الهی و با رعایت موازین الهی در زمره چنین گروههایی قرار نگیریم و به عاقبتی همچون عاقبت آنان دچار نشویم.

در این جهت ابتدا با مراجعه به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» آیات مربوطه استخراج گردید همچنین با مراجعه به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه» سخنان و کلمات قصار و حکمتهای مربوط انتخاب گشت و با مراجعه به تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت و شرحهای نهج البلاغه به بررسی مفهوم و تفسیر آیات پرداخته شد.

مهمترین منابع تفسیری که در این رساله استفاده گردیده است عبارتند از: تفاسیر شیعه: تفسیر علی بن ابراهیم قمی تفسیر تبیان، تفسیر مجمع البیان، تفسیر برهان، تفسیر المیزان، تفسیر گازر، تفسیر اطیب البیان و....

و همچنین منابع تفسیری اهل سنت: تفسیر قرطبی، تفسیر کشاف، تفسیر طبرسی، تفسیر فخر رازی و...

در مرحله بعد با مراجعه به منابع حدیثی از جمله نهج البلاغه، اصول کافی، بحار الانوار، غرر الحکم، سفینه البحار و... به بررسی مفهوم «مترف و ملأ» و اوصاف آنها در منابع مذکور پرداخته شد. همچنین

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۹۳.

جهت آشنایی با معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی «مترف و ملأ» به منابع لغوی مانند: لسان العرب، معجم مقاییس اللغة، مجمع البحرین، مفردات راغب، و... مراجعه گردید.

در پایان خوانندگان این رساله را به این نکته توجه می‌دهم که رساله حاضر در چهار بخش به شرح ذیل تدوین شده است:

در بخش اول: معانی لغوی و اصطلاحی ملأ و مترف، بررسی اولیه ملأ و مترف در قرآن و نهج البلاغه و تعاریفی پیرامون طبقات اجتماعی مطرح شده است.

سپس در بخش دوم مهمترین اوصاف و ویژگی‌های طبقه ملأ و مترف از جمله: تبعیت از ابناء و اجداد گمراهشان، فسق و فجور آنان، اصرار بر گناهان، گردنکشی و استکبار و انکار معاد و... بیان شده است.

بخش سوم: در قسمت الف): روشهای (تخریبی گروه ملأ و مترف با رسولان آمده است که شامل روشهایی مبارزه این گروهها با رسولان و مبلغان الهی می‌باشد از جمله: گمراه خواندن رسولان، استهزاء رسولان و مؤمنان، درخواست کمک از رسولان در دفع عذاب از آنان و سپس خلف وعده، بشر خواندن رسولان و... و در قسمت ب): به بررسی تاریخی و چگونگی مخالفت گروه ملأ و مترف با رسول اسلام پرداخته شده است.

در بخش چهارم: عاقبت گروه ملأ و مترف در قرآن و نهج البلاغه بیان شده که به عواقبی چون: هلاک شدن این قوم و رسیدن به تعب و خواری و بطلان اعمال نیکشان اشاره شده است.

در آخر یک بار دیگر از همه کسانی که مرا در تدوین و تنظیم این رساله یاری دادند، از جمله: جناب دکتر معارف و دکتر عسگری تشکر و قدردانی می‌کنم و برای همه آنها اجر دنیوی و اخروی از خداوند منان خواستارم و امیدوارم این تحقیق مورد رضای خداوند تبارک و تعالی واقع گشته، قدمی هر چند کوچک در جهت شناسایی یکی از گروههای یاد شده در قرآن مجید و نهج البلاغه محسوب گردد.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

شهناز یعقوبی

۸۰/۳/۲۰

# بخس اول

کلیاتی در معنای لغوی و اصطلاحی ملأ و مترف

## ملأ و مترف در لغت

### ۱ - مترف :

با مراجعه به کتب لغت در می‌یابیم که واژه مترف از ریشه «ترف» می‌باشد و این واژه از لحاظ لغوی و اصطلاحی دارای معانی متعدّد می‌باشد که ابتدا به بیان معانی لغوی این واژه می‌پردازیم. فراهیدی در کتاب العین چنین می‌گوید: «الترف: تَنْعِيمُ الْعَدَاءِ وَ صَبِيحٌ مُتْرَفٌ وَ الْمُتْرَفُ: فَالْمَوْسِعُ عَلَيْهِ عَيْشُهُ الْقَلِيلُ فِيهِ هِمَّةٌ وَ أَتْرَفَهُ اللَّهُ»<sup>۱</sup>

یعنی، نعمت دادن بوسیله غذا و بچه مترف یعنی بچه‌ای که به او غذا داده می‌شود و «المترف»: کسی که در زندگی اش وسعت داده شود در حالی که هم‌تث در بدست آوردن آن کم است و خداوند او را متنعم کرده.

ابن زکریا گوید: «ترف: وهى الترفه. يُقَالُ رَجُلٌ مُتْرَفٌ مُنْعَمٌ، وَ تَرَفَهُ أَهْلُهُ إِذَا نَعَمَوْهُ بِالطَّعَامِ الطَّيِّبِ وَ الشَّيْءِ يُخَصَّنُ بِهِ.»<sup>۲</sup> یعنی، رفاه و گفته شده مترف یعنی، «نعمت فراوان داده شده» و دارای نعمت فراوان و هنگامی که اهلش را بوسیله طعام پاک و چیزی که اختصاص به او دارد نعمت دهد نعمت دهد و در رفاه قرار دهد ابن منظور در این باره می‌گوید: «التَّرْفُ: التَّنْعِيمُ، وَ التَّرْفَةُ: النَّعْمَةُ.

الْمُتْرَفُ: الْمُتَنَعَّمُ الْمُتَمَوِّسِعُ فِي مَلَأِ الدُّنْيَا وَ شَهَوَاتِهَا.

و فى الحديث: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ، قُرْبَهُ مِنْ جِبَارٍ مُتْرَفٍ. وَ رَجُلٌ مُتْرَفٌ وَ مُتْرَفٌ: مَوْسِعٌ عَلَيْهِ وَ قَوْلُهُ تَعَالَى، ﴿إِنَّمَا قَالَ مُتْرَفُوهَا﴾؛ اى اُولُو التَّرْفَةِ وَ أَرَادَ رُؤَسَاءَهَا وَ قَادَةَ الشَّرِّ مِنْهَا.»<sup>۳</sup>

و«مترف»: در لذائذ دنیوی و شهواتش منعم شده (نعمت فراوان داده شده) و در حدیث است

همانا ابراهیم (ع) از جبّاری که در لذائذ دنیوی قرار دارد، فرار کرده و مرد مُتْرَفٌ و مُتْرَفٌ یعنی، (نعمت

۱- فراهیدی، ابو عبد الرحمن الخلیل بن احمد، العین، بتحقیق: دکتر المخرومی، مهدی، بیروت، لبنان، جزء ۸، ص ۱۱۴

۲- ابن زکریا، ابوالحسین احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بتحقیق محمد هارون، عبدالسلام، ج ۱، ص ۳۴۵

۳ ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۷.